

سال دوم

جلسه ۷۷

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

۲۰ / ۱۲ / ۹۰ شنبه

اشکال :

گاه جملات انشایی آورده می شوند در حالیکه معنای آنها را اراده نکرده ایم

مثل اوامر امتحانی

در این صورت آیا این الفاظ استعمال نشده اند؟

یا در غیر «ما وضع له» استعمال شده اند [مجاز یا غلط]؟

هر دو فرض باطل است.

جواب :

اگر این الفاظ به کار برده شد و هم زمان اعتبار انشایی وجود نبود:

ملتزم به مجاز می شویم

فرق مبنای این دو بزرگوار با مبنای مشهور :

در مبنای مشهور :

هم زمان با القای لفظ و استعمال لفظ، اعتبار انشایی شخصی حاصل می شود

در این مبنا :

قبل از استعمال لفظ، اعتبار انشایی پدید آمده بود و جملات انشایی آن را ابراز می کردند

پس :

طبق مبنای این دو بزرگوار، جمله «انشایی» فرقی با جمله «خبری» ندارد و هر دو ابراز کننده هستند.

نکته اول

اشکال :

«اگر جملات انشایی ابراز کننده اعتبار نفسانی هستند، پس قابل صدق و کذب می شوند. چراکه گاه ابراز کننده امری هستند که موجود است و گاه امری که نیست را ابراز می کنند»

نکته اول

جواب :

جملات انشایی : ابراز کننده «امری نفسانی» هستند.

جملات خبری : هم ابراز کننده «قصد متکلم» هستند

اما اینکه در جملات خبری، صدق و کذب هست به این جهت است که:

جمله خبری :

«قصد متکلم» را برای حکایت ابراز می کند و چون «قصد متکلم برای حکایت» مربوط به عالم خارج است، پس جمله خبری با یک واسطه به عالم خارج [نفس الامر] مربوط می شود. و لذا قابل صدق و کذب می شود.

جمله انشایی :

«امر نفسانی» را ابراز می کند که یا هست و یا نیست. و چون مربوط به عالم خارج نیست، صدق و کذب بردار نیست.

پس : صدق و کذب، مربوط به «مدلول جمله» است و نه خود جمله

و اگر جمله را صادق یا کذب می دانیم، این ثانیاً و بالعرض است

لذا : اگر امکان داشت که بدون «ابراز» - که در جملات خبری هست - از عالم خارج، حکایت کنیم، آن حکایت گری، متصف به صدق و کذب می شد.

مراد مرحوم خوئی آن است که گویا در «انشاء» می گوئیم :

در ذهن من، اعتبار نفسانی هست

در حالیکه در «خبر» می گوئیم :

در ذهن، قصد حکایت «زید قائم» هست

حال : در هر دو جمله از حیث آنکه ابراز «ما فی الذهن» است، نوعی «دلالت» است

ولی : یک فرق وجود دارد و آن اینکه:

در انشاء : «موضوع ابراز شده» اعتبار نفسانی است که یک موجود است (که یا هست و یا نیست)

در خبر : «موضوع ابراز شده»، «قصد حکایت زید قائم» است که اصل آن یا هست یا نیست و در عین

حال از حیث مضمون، می توان گفت «نسبت بین زید و قائم» قابل صدق و کذب هست

درست است که طبق نظر مرحوم خوئی فرق است بین خبر و انشاء

ولی : بالاخره در هر دو، نوعی دلالت هست که قابلیت صدق و کذب را ایجاد می کند

و لذا : باید گفت انشاء هم قابل صدق و کذب است

ما به وجود چنین صدق و کذبی در جملات انشایی ملتزم می شویم  
جملات انشایی :

- گاه صادق هستند یعنی همراه با آنها قصد و اراده جدی [اعتبار انشایی] موجود است
- گاه کاذب هستند یعنی متکلم در حالی آنها را به کار می برد که اعتبار نفسانی انشایی نداشته است.

و این همان است که تحت عنوان اصالة التطابق بین مراد استعمالی و مراد جدی مطرح است.

پس :

در جملات خبری :

یک بار از صدق و کذب تطابق اراده استعمالی و اراده جدی سخن می گوئیم و یک بار از صدق و کذب مضمون خبر

در جملات انشایی :

یک صدق و کذب مطرح است و آن هم صدق یا کذب در تطابق دو اراده است.

اشکال دوم

اساساً هیچ نحوه نیازی به «اعتبار انشایی شخصی» نیست

چراکه : می توان بدون اعتبار انشایی، به عبارات حقیقی، نائل شد و لذا اعتبار انشایی «لغو» است

بله !

اگر اعتبار حقیقی بدون اعتبار انشایی ممکن نباشد، سخن مرحوم خویی قابل قبول است



اعتبار حقیقی معمولاً بدون اعتبار انشایی حاصل نمی شود

چراکه :

اعتبار عقلایی حقیقی، به معنای پذیرش اعتبار انشایی در اذهان عقلاست و اعتبار کننده شخصی صرفاً می تواند شیء را به صورت اعتبار انشایی شخصی اعتبار کند.

مرحوم فاضل :

اینکه مرحوم خویی می گویند برای اعتبار کردن، احتیاجی به لفظ نیست، حرف درستی است

ولی :

هر چیز که اشکال ندارد، واقعیت هم ندارد. اینطور نیست که هر چیز که امکان داشت و استحاله

نداشت، واقعیت هم داشته باشد

اتفاقاً مرحوم خوئی می فرمود : محال است لفظ بتواند اعتبار انشایی را ایجاد کند

نه اینکه بگوید : «ایجاد شدن اعتبار انشایی بدون لفظ ممکن است».

فراموش نکنیم:

مرحوم خوئی می گفت «اعتبار انشایی» محال است وابسته به لفظ باشد

و در عین حال می گفت وقتی آن اعتبار انشایی به وسیله لفظ مخصوص ابراز شد اعتبار حقیقی پدید

می آید

پس از دیدگاه مرحوم خوئی:

لفظ دخالتی در اعتبارات انشایی ندارد ولی در اعتبارات حقیقی، دخالت دارد.

در حالیکه :

در کلام مرحوم فاضل بین این اعتبار، تمایز گذارده نشده است